

■ **نگاه آمریکایی‌ها** به برجام، مهار یک «دولت تروریستی و متخاصم» بوده و هست، نه آغاز همکاری و روابط دوستانه با یک «کشور متخاصم»؛ به تفاوت این ۲ موضوع به دقت توجه کنید. اشتباه دیدن برجام، یعنی اشتباه در نظام محاسباتی و خروجی اشتباه محاسباتی، همین وضعی است که می‌بینیم!

مهرگان ۱۳۹۰ | شماره ۳۱۹۰ | چهارشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۰

## سیاست

گزارش تحلیلی «وطن امروز» از ضرورت تغییر مکانیسم‌وزمانبندی تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری

# از هیجان تبلیغاتی تا عقلانیت انتخاباتی



**کمیل نقی پور:** یکی از اساسی‌ترین و مورد توجه‌ترین ارکان حقوق اساسی، مساله شیوه انتخابات و سازمان آن است. انتخابات سبهم مردم را در حاکمیت تعیین و محقق می‌سازد و بویژه در نظام‌های سیاسی دموکراتیک یا مردم‌سالار، در رأس همه امور قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت اهمیت و اعتبار امر انتخابات در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، یک وجه دیگر هم دارد و آن اینکه به سازمان، محتوا و رفتار سیاسی جامعه مشروعیت می‌بخشد. در نظام‌های مردم‌سالار، مردم خود مسؤول آینده خویش می‌شوند و نه‌تنها مصدر بروز رخدادهای اساسی هستند، بلکه مرجع نتیجه آنها نیز تلقی می‌شوند. در جامعه سیاسی ایران پس از انقلاب، مسؤولان نهادهای اساسی نظام با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مردم انتخاب می‌شوند. در این بین انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل جایگاه مهم رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ایران و همچنین اختیارات و وظایف وی از اهمیتی فراوان برخوردار است و باینان سامانه انتخاباتی نیز در این زمینه حساسیت خاصی به خرج داده‌اند. قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ایران مصوب ۱۳۴۴/۵ است تاکنون ۳ بار تغییر یافته و اصلاح شده است. نخستین اصلاح در تاریخ ۶۵/۸/۲۵ دومین و سومین آن در ۱۳۷۲/۱/۱۷ و ۱۳۷۲/۲/۲۸ و ۱۳۷۲/۲/۲۲ اصلاح شد و تغییری در آن به وجود آمد.

طبق ماده ۳۶ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۷۲، انتخاب‌کنندگان (رای‌دهندگان) باید دارای شرایط زیر باشند: الف: تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران. ب: ورود به سن ۱۸ سالگی ج: داشتن سلامت روانی. در این زمینه برخلاف بسیاری از کشورها هیچ ممنوعیتی برای رای دادن محکومان جرائم قضایی وجود ندارد. اما درباره شرایط نامزدهای مقام ریاست‌جمهوری، اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط لازم برای صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری را بدین صورت قید کرده‌است: رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب شود: ایرانی‌الصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور.

داوطلبان ریاست‌جمهوری با نامیاندگان نام‌الاختیار آنها که کتبا معرفی شده باشند باید ظرف ۵ روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه کرده و دقت نظر کنند. وزارت کشور پس از پایان مهلت قبول داوطلبی، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد. شورای نگهبان ظرف ۵ روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان سرسدیگی کرده و نتیجه نهایی آن را برای ابلاغ به وزارت کشور می‌فرستد. انتخابات ریاست‌جمهوری برای کسب اکثریت مطلق آرا انجام می‌شود. چنانچه در مرحله اول برای هیچ یک از داوطلبان اکثریت مطلق حاصل نشود، انتخابات در ۲ مرحله‌ای خواهد شد. ۲ نامزدی که بیشترین آرا را در مرحله اول داشته‌اند در انتخابات مرحله دوم شرکت می‌کنند. انتخابات مرحله دوم در جمعه هفته بعد انجام خواهد گرفت. اجرای انتخابات در کشور به طور رسمی بر عهده وزارت کشور است که از طریق ستاد انتخابات انجام می‌شود. شورای نگهبان علاوه بر تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات

ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی، مسؤول اصلی نظارت بر فرایند انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. رسیدگی به شکایات نامزدها و جرائم انتخاباتی در هر ۲ انتخابات و نیز تأیید نتیجه نهایی انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. حکم نهایی نامزد پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری باید از سوی رهبری تصفیذ شود. یکی از مسائل مهم درباره انتخابات ریاست‌جمهوری نحوه و زمان تبلیغات است به عنوان مثال آغاز ثبت‌نام اولیه انتخابات ریاست‌جمهوری پیش روز روز ۲۵ اردیبهشت است. بر اساس قانون، داوطلبان می‌توانند طی ۵ روز از این تاریخ برای شرکت در انتخابات ثبت‌نام کنند. پس از پایان ثبت‌نام در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، وزارت کشور پرونده‌های داوطلبان انتخاب شده را به شورای نگهبان ارسال می‌کند و شورای نگهبان موظف است فقط طی ۵ روز نتیجه بررسی صلاحیت کاندیداها را اعلام کند.

به بیان دیگر تا ۵ خرداد یعنی ۳ هفته پیش از انتخابات به صورت قطعی مشخص نیست کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری چه افرادی هستند. پس از اعلام نظر شورای نگهبان درباره صلاحیت کاندیداها، کاندیداهای تأیید صلاحیت‌شده تنها ۲۰ روز فرصت دارند تا برای پیروزی خود تبلیغ کنند.

این در حالی است که یکی از امتیازات اصلی هر انتخاباتی، رشد آگاهی سیاسی و سواد سیاسی مردم است. به بیان دیگر در شرایط انتخاباتی با توجه به اینکه ضراب‌آرا و افکار به صورت نقدی اتفاق می‌افتد، مردم بیش از شرایط عادل در معرض مواجهه گفت‌وگوها، برنامه‌ها و چالش‌های سیاسی قرار می‌گیرند و به همین دلیل برنامه‌های تبلیغات انتخاباتی جنبه دانشی و آگاهی‌بخشی نیز پیدا می‌کنند. به بیان دیگر هر چند انتخاب عمومی به دلیل نقش پررنگ تبلیغات در انتخاب مردم می‌تواند آسیب‌زا باشد اما اگر تبلیغات به هر میزان به سمت ارائه برنامه و ارائه منطقی پیشنهادات برای اداره کشور برود به همین میزان از احساسات و هیجانات کاذب و

عوام‌فریبی فاصله می‌گیرد.

بنابراین تبلیغات در زمان انتخابات می‌تواند همانند شمشیر دولبه‌ای عمل کند که اگر به صورت منطقی و فکر شده و بر مبنای یک مکانیسم مناسب پیاده‌سازی شود، سبب رشد و آگاهی مردم می‌شود و اگر بر مبنای هیجانات کاذب استوار شود چه بسا سبب انتخاب یک فرد ناشایست و ضعیف شود، چرا که برنده چنین انتخاباتی شخصی نیست که الزما برنامه مناسبی برای اداره کشور دارد، بلکه شخصی که بهتر بتواند از احساسات و هیجانات مردم استفاده کند، رئیس‌جمهور می‌شود؛ هر چند که ممکن است برنامه مدونی هم برای اداره کشور تدوین نکرده باشد، چنانکه در تجربه این سدل انتخابات در جمهوری اسلامی وجود دارد. با توجه به نکته فوق، زمانبندی و مکانیسم انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران که زمانبندی و نحوه تبلیغات نیز شامل آن می‌شود، دارای ایراد و در راستای تقویت عوام‌زدگی و هل دادن کاندیداهای انتخابات به سمت فرار از ارائه برنامه و توجه بیشتر به تحریک هیجانات و احساسات مردم در راستای رای‌وری خودشان است. یکی از موارد دارای عیب در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام دیرهنگام کاندیداها در انتخابات ریاست‌جمهوری است.

در انتخابات ریاست‌جمهوری با توجه به تقویم انتخابات، کاندیداها حدود یک ماه پیش از برگزاری انتخابات فرصت می‌یابند به صورت اولیه در انتخابات ثبت‌نام کنند. در دوره‌های اخیر نیز یک رویه‌ای به‌وجود آمده‌که به زمان ثبت‌نام در انتخابات نیز به عنوان یک شیوه تبلیغاتی نگریسته می‌شود و معمولاً کاندیداهای مطرح برای

موج‌سازی در یک یا ۲ روز آخر مهلت ثبت‌نام در وزارت کشور حضور پیدامی‌کنند. ثبت‌نام دیرهنگام کاندیداها سبب می‌شود مردم حدودا یک ماه مانده به انتخابات حتی ندانند که چه کاندیداهایی در انتخابات شرکت می‌کنند تا بتوانند درباره آنها خودآگاهی لازم را کسب کنند، همین امر سبب سردرگمی میان عموم مردم درباره انتخابات و یکی از عوامل سکون منفی جامعه در چند ماه مانده به انتخابات می‌شود.

به‌تبع ثبت‌نام دیرهنگام فرصت کافی و زمان مناسب برای بررسی صلاحیت نامزدها در انتخابات ریاست‌جمهوری داده نمی‌شود و در شرایطی که سدها نفر برای حضور در این انتخابات شرکت می‌کنند بنا بر گفته سخنگوی شورای نگهبان به طور میانگین ۵۰ کاندیدای جدی (از وزرای دولت‌های کنونی و گذشته دولت گرفته تا رؤسای کمیسیون‌ها و اعضای هیات‌رئسه ادوار مجلس و برخی چهره‌های بارز سیاسی که در انقلاب سابقه اجرایی و مدیریتی بالایی دارند) وجود دارند که بررسی وضعیت آنان زمان مکفی و ویژه‌ای می‌طلبد. با این حال شورای نگهبان باید صرفا طی ۵ روز تمام پرونده‌های ارسالی از سوی وزارت کشور را بررسی و نتایج را اعلام کند. شورای نگهبان با این فرصت کم برای بررسی پرونده کاندیداها، حدود ۳ هفته پیش از آغاز انتخابات لیست نهایی و قطعی کاندیداهای انتخابات را اعلام می‌کند.

کاندیداهای انتخابات را اعلام می‌کند. به‌تبع معرفی دیرهنگام کاندیداهای قطعی ریاست‌جمهوری، زمان کم و ناکافی (۲۰ روز) برای کاندیداها وجود دارد که بتوانند برنامه‌های خود را به مردم معرفی کنند. این فرصت کم حتی برای حضور در ۲۲ مرکز استان نیز ناکافی است و بعضا کاندیداها

**تبلیغات در زمان انتخابات می‌تواند همانند شمشیر دولبه‌ای عمل کند که اگر به صورت منطقی و فکر شده و بر مبنای یک مکانیسم مناسب پیاده‌سازی شود، سبب رشد و آگاهی مردم می‌شود و اگر بر مبنای هیجانات کاذب استوار شود چه بسا سبب انتخاب یک فرد ناشایست و ضعیف شود، چرا که برنده چنین انتخاباتی شخصی نیست که الزاما برنامه مناسبی برای اداره کشور وجود دارد. با توجه به نکته فوق، زمانبندی و مکانیسم انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران که زمانبندی و نحوه تبلیغات نیز شامل آن می‌شود، دارای ایراد و در راستای تقویت عوام‌زدگی و هل دادن کاندیداهای انتخابات به سمت فرار از ارائه برنامه و توجه بیشتر به تحریک هیجانات و احساسات مردم در راستای رای‌وری خودشان است. یکی از موارد دارای عیب در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام دیرهنگام کاندیداها در انتخابات ریاست‌جمهوری است.**

در انتخابات ریاست‌جمهوری با توجه به تقویم انتخابات، کاندیداها حدود یک ماه پیش از برگزاری انتخابات فرصت می‌یابند به صورت اولیه در انتخابات ثبت‌نام کنند. در دوره‌های اخیر نیز یک رویه‌ای به‌وجود آمده‌که به زمان ثبت‌نام در انتخابات نیز به عنوان یک شیوه تبلیغاتی نگریسته می‌شود و معمولاً کاندیداهای مطرح برای

**گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر مجید بهستانی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، پیرامون حساسیت‌های مذاکرات هسته‌ای وین**

## چراغ قرمز به برجام پلاس

آمریکا برای ایران را که توسط دموکرات‌ها طراحی شده بود، با رویکرد خودش به سرعت و در بازه زمانی یکی دو ساله عملی کند؛ خواسته‌ای که با ایستادگی رهبر انقلاب عملی نشد و با شکست مواجه شد. پیروزی آقای آیت‌دین در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، در واقع برگشت ایالات متحده به همان استراتژی قورباغه پخته است. اینکه از طریق همان سیاست تحریمی هوشمندانه، ایران را به پذیرفتن برجام منطقه‌ای و موشکی وادار کنند.

نکته مهمی که در تحلیل رفتار دولت بایدن باید مدنظر قرار داد، نحوه مواجهه آن با مساله بازگشت به برجام است. دموکرات‌ها بعد از روی کار آمدن، سیاست «نه بله و نه خیر» را در درباره برجام در دستور کار قرار دادند. یعنی هیچ موضع درستی نمی‌گرفتند که طرف ایرانی تکلیفی خود را بدهد که بالاخره آمریکا می‌خواهد چه کار کند؛ بازمی‌گردد یا نه؟ در ضمن این سیاست، تحریم‌های ترامپ هم همچنان ادامه داشت، در حالی که طرف ایرانی خیال می‌کرد بایدن به محض روی کار آمدن تحریم‌های دوره ترامپ را لغو و سریعاً مذاکرات را آغاز می‌کند اما بایدن این بود کار نکرد. حال سوال اینجاست که چرا؟ چرا بایدن طرف ایرانی را در یک حالت پل‌تکلیفی گذاشت؟

پاسخ این است که طرف آمریکایی قصد داشت هر چه می‌تواند زمان مذاکرات را به انتخابات ریاست‌جمهوری ایران نزدیک‌تر کند، چون در این حالت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در فشار قرار دارد تا هر طور شده به یک توافقی برسد تا بتواند به مردم ایران اثبات کند برجام ثمره داشته‌است. تا آن تاریخ طرف نتواند جناح خود را برای انتخابات پیش رو تقویت کند. به این ترتیب دست آمریکا برای امتیازگیری بیشتر از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای باز است.

این موضوع، مساله نگارش متن مذاکرات وین را حل‌نمی‌کند. همه‌نهادها و رسانه‌های مسؤول، باید در این شرایط یک توافق صوری که در اصل منجر به لغو تحریم‌ها نمی‌شود هم موجی را که دولت به دنبال منور روی آن است فراهم خواهد کرد، چرا که بخشی از مشکلات اقتصادی ما در ارز و بورس جنبه روانی دارد. یک منور رسانه‌ای روی یک توافق صوری می‌تواند حباب‌های روانی ارز و بازارهای اقتصادی را بشکند و همین به عنوان یک برد سیاسی برای دولت تلقی بشود تا از آن برای تقویت خزانه خود در انتخابات آتی استفاده کند؛ کاری که در انتخابات سال ۹۶ انجام داد و این پیام را به جامعه داد که برای

حکومت خودسرانه رژیم صهیونیستی، نیاز به داده‌های اطلاعاتی و امنیتی دارد که من فاقد آن هستم. پس درباره این بخش اظهارنظر نمی‌کنم اما درباره خروجی آن نظرم را می‌گویم. به عبارت دیگر این اقدام یک خروجی داشت که آن بخش را من می‌توانم مورد تحلیل قرار دهم.

آنچه واضح و مشخص است، این است که رژیم صهیونیستی قصد داشت این پیام را بدهد که توانایی آسیب رساندن به تاسیسات هسته‌ای ایران را دارد؛ مسائلی که به صورت مشخص می‌توانست موضع تیم مذاکره‌کننده ایران را تضعیف کند به طوری که مطالبات جدی کشور که برآورده شدن آنها خط قرمز ایران برای این دور از مذاکرات است، تحت‌الشعاع قرار بگیرد. واکنش ایران در قبال این اقدام خرابکارانه و آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصد، هدف این خرابکاری را خنثی کرد.

در یکی از شبکه‌ها خبرنگاری از یک کارشناس رژیم صهیونیستی پرسید شما می‌خواستید با این انفجار مانع پیشرفت هسته‌ای ایران شوید اما ایران بلافاصله بعد از ۲۴ ساعت غنی‌سازی ۶۰ درصد را شروع کرده؛ این اقدام خرابکارانه چه فایده‌ای برای شما دارد؟ جواب آن کارشناس بر اینم مهم نیست، سوال خبرنگار بر اینم مهم است، یعنی ایران توانست صحنه را به نفع خود بازگرداند به طوری که رژیم صهیونیستی مورد سوال قرار بگیرد که این کاری که انجام دادید نتایج معکوس داشت.

■ **فراز از بحث مذاکرات وین، به صورت کلی برنامه بلندمدت جمهوری اسلامی درباره برجام چگونه باید باشد؟** به عبارت دیگر دولت آینده نسبت خود با برجام را چگونه باید تعریف و در قبال آن عمل کند؟

ببینید! برجام متنی است که توافق شده و تمام سیده‌ها در خوش‌مان بیاید چه خوش‌مان نیاید. یعنی با همه انتقادهایی که به برجام داریم، این متن یک تعهدات بین‌المللی برای ایران ایجاد کرده که جمهوری اسلامی باید به آن پایبند باشد. اولین مسائلی که دولت آینده باید مدنظر داشته باشد، این است که این متن فعلی برجام به هیچ عنوان نباید توسعه یابد. یعنی تحت هیچ عنوانی، چه الحاقیه و چه اصلاحیه، این متن نباید دچار تغییر شود. عرض کردم برجام برای غربی‌ها آغاز یک بورسسه است و آنها از تلاش برای رسیدن به برجام موشکی و منطقه‌ای دست برنخواهند داشت و تمام تلاش خود را خواهند کرد که چه به شکل برجام پلاس، چه به شکل الحاقیه و چه به شکل اصلاحیه، روند مذاکرات را به مسائل موشکی و منطقه‌ای بکشانند. دولت آینده باید با قدرت در برابر این مساله بایستد و اجازه ندهد برجام به خطوط امنیت ملی ما از اینی که هست، نزدیک‌تر شود. نکته دومی که دولت آینده باید در پیش بگیرد این است که اصطلاحا نقشه سیاست خارجی خود را رنگارنگ کند. هر چقدر دولت آینده بتواند روابط سیاست خارجی خود را متنوع‌تر و گسترده‌تر کند، اهرم‌های فشار طرف غربی را خنثی‌تر می‌کند. همین باعث می‌شود طرف غربی هم پیش از پیش به تعهدات خود عمل کند، چرا که اهرم‌های فشار خود علیه ایران را از دست داده است. بحث قرارداد ۲۵ ساله با چین در این پازل قابل فهم است. همسایه‌های ما نیز از ظرفیت‌های مهم سیاست خارجی ما هستند. افزایش مبادلات تجاری، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای همسایه باید از مهم‌ترین دستورالعمل‌های سیاست خارجی دولت آینده باشد. نکته مهم دیگری که در اینجا می‌شود به آن اشاره کرد، افزایش تبادل با کشورهای است که در دولت روحانی مورد غفلت قرار گرفتند، مانند کشورهای آمریکای لاتین. افزایش مراودات با این حوزه جغرافیایی بر قدرت سیاست

خارجی ما خواهد افزود، به علاوه اینکه از همین فرصت برای تقویت اقتصاد داخلی هم می‌توانیم بهره بگیریم. به هر حال وقتی شما دایره از تباطات اقتصادی و تجاری خود را به محیط گسترده‌تری کشاندی، دیگر قدرت طرف غربی برای اعمال فشار

مثل قبل نخواهد بود.

نکته سومی که دولت آینده باید مدنظر قرار دهد، آزادسازی ظرفیت‌های داخلی است. در این چند سال سیاست داخلی ما به سیاست خارجی ما گره خورد و عملا کار قفل شد. دولت آینده باید این قفل را بشکند. الان ما ۱۰ تا ۲۰ درصد ظرفیت کشاورزی خود استفاده می‌کنیم، به حداکثر رساندن استفاده از ظرفیت‌های کشاورزی چه ربطی به سیاست خارجی دارد؟ اصلاح شبکه آبرسانی و آبیاری چه ربطی به سیاست خارجی دارد؟ خاک ایران از نظر غنای معدنی، مورد حسد و غبطه بسیاری از کشورهاست، چرا نباید برای استفاده از همین خاک برنامه‌ریزی کرد؟ ایران یک کشور محصور در خشکی نیست، موقعیت تراتژیتی ایران یک ظرفیت عظیم است. این ظرفیت‌های داخلی را باید شگفا کرد، کشورهاست که اینها جایگاه ما را در مناسبات بین‌الملل ارتقا و قدرت چانه‌زنی ما را حتی در مسائلی مانند پرونده هسته‌ای افزایش خواهد داد.

اصلاح مدل مدیریتی، اصلاح نگاه ما در حکمرانی، اصلاح دستگاه بروکراتیک، همه اینها دولت را چابک و توانمند خواهد کرد که اثر این توانمندی و کارآمدی خوبی خود را در نحوه کشنگری ما در نظام بین‌الملل نشان خواهد داد.

نکته آخری که در جواب به این سوال قصد دارم به آن اشاره کنم، اینکه متن توافق برجام، بدون ظرفیت و امتیاز برای ایران نیست. دولت آینده با شرط عمل به نکاتی که عرض کردم، می‌تواند استفاده از امتیازها و ظرفیت‌های برجام را به‌مجموعه برنامه‌های خود اضافه کند. مشکل دولت فعلی این بود که همه ظرفیت‌های ممکن را تعطیل کرد و منتظر ماند از ظرفیت‌ها و امتیازهای پیش‌بینی نشده در برجام استفاده کند. حال اگر دولت آینده منتظر برجام نماند و بتواند از مجموعه امکاناتی که جمهوری اسلامی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی داراست، استفاده کند و استفاده از این امکانات را به استفاده از ظرفیت‌ها و امتیازات برجام اضافه کند، آن وقت شاهد یک جهش موفق در عرصه پیشرفت و توسعه کشور خواهیم بود. این جهش با استحکام افزایش قدرت درونی ما، منجر به این خواهد شد تا یک طرف پروسه آمریکا برای کشاندن برجام هسته‌ای به برجام منطقه‌ای و موشکی ناکام بماند و استراتژی مهر ایران، در همین ایستگاه هسته‌ای متوقف شود و از طرف دیگر قدرت ما برای اعمال فشار بر طرف غربی برای عمل به تعهداتش در درازمدت افزایش خواهد یافت.



مدتی است مذاکرات کمیسیون ویژه برجام در وین، با پخت‌انگاریش در جریان است. اگر چه هنوز جزئیات زیادی از نتایج مذاکرات وین به بیرون درز نکرده اما شنیده‌ها حاکی از آن است طرف‌ها برای کار روی یک پیش‌نویس مشترک آماده می‌شوند. سوالات، ابهام‌ها و حساسیت‌های ویژه‌ای که این دور از مذاکرات را احاطه کرده، این اقتضا را ایجاد می‌کرد با نگاه دقیق‌تری به تحلیل آن پیردازم. به همین منظور در گفت‌وگو با دکتر مجید بهستانی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع) ابعاد مختلف مذاکرات وین را مورد بحث و بررسی قرار دادیم.

■ **آقای دکتر! همان‌طور که مستحضرد مذاکرات وین به نگارش متن مشترک نزدیک شده است؛ تحلیل شما از فضای کنونی مذاکرات وین و خروجی آن چیست؟**

اجازه بدهید برای پاسخ به این سوال ابتدا مروری داشته باشیم بر فرآیندی که منجر به خلق برجام شد، بعد از آن به پاسخ سوال شما بزاوخواهم گشت. دولت جمهوری اسلامی اولسط دهه ۸۰ شمسی بعد از پایان یافتن دولت اصلاحات، سیاست مقاومت و پیشبرد اهداف هسته‌ای را به صورت جدی در دستور کار قرار داد. موفقیت این سیاست و افزایش توان هسته‌ای از جمله دستیابی به فناوری غنی‌سازی ۲۰ درصد، دست ایران را در مذاکرات برای احقاق حقوق خود و به کرسی نشاندن خواسته‌هایش باز کرد.

شروع دهه ۹۰ هم‌زمان شد با موج بیداری اسلامی و رشد ایده اسلام‌خواهی و آزادی‌خواهی در منطقه. این موج خیزش مردمی، جمهوری اسلامی را به عنوان یک الگوی سیاسی پیش روی مردم منطقه مطرح می‌کرد. جریانات اسلام‌گرای منطقه بعد از مدتها سر کوب توسط دولت‌های خود، به قدرت رسیده بودند و عمق استراتژیک سیاسی جمهوری اسلامی به طرز چشمگیری قوت و قدرت پیدا کرده بود. در این شرایط آمریکا لازم می‌دید هر